

فضای مجازی و آسیب‌ها

عباس عبدي

فضای مجازی ظرفیت آن را پیدا کرده تا هر گاه خواستیم مفری برای فرار از بار مسوولیت پیدا کنیم، آن را به عهده فضای مجازی بیندازیم. از جمله قتل فجیع يك خانم در اهواز را به عهده آن انداختند و دیدم که آقای زیدآبادي به طعنه و طنز گفت که مقصر اصلي آهن است که توانسته‌اند با آن کارد برنده‌اي بسازند و گردن دختر را گوش تا گوش قطع کنند. فارغ از این طعنه؛ آقای دادستان کل در این باره گفته‌اند: «در اهواز حادثه وحشتناكي توسط همسر يك زن در يكي از ميادين اهواز به راه افتاد که بنیان اصلي آن به فضای مجازی برمي‌گردد، موضوع از این قرار است که در فضای اینستاگرام فردي از کشور سوریه خانم را فریب مي‌دهد و بعد از مدتي به کشور ترکیه رفته و در آنجا عکسها و فیلم‌هایی را مي‌گرفتند و از طریق اینستاگرام به همسر خود ارسال مي‌کردند، بعد از مدتي زن به کشور باز مي‌گردد و علت بریده شدن سر زن اهوازي توسط همسر خویش، همین فضای مجازی است که باعث تحريك شدن همسر زن بود.» مساله این است که این رفتارها از جمله فرار دختران و زنان از خانه مربوط به سال‌هاي اخير نیست، پیش از انقلاب هم وجود داشت، بسیاری از زنان اماکن خاص فراري‌هاي از خانه به ویژه از شهرستان‌ها بودند. آن زمان تقصير کي بود؟ با این منطق باید تقصير خودرو و قطار و هواپیما گذاشت که امکان نقل و انتقال سریع و دور را به آنان مي‌داد!

واقعیت این است که هر پیشرفتي در فناوری برای همه اعم از افراد عادي یا مجرم، امکانات جديدي را فراهم مي‌کند. نمونه آن اسلحه است. بسیاری از جرایم با اسلحه انجام ميشود، پس چرا اصل وجودي آن را نفي نمي‌کنند؟ شاید بگوئیم داشتن اسلحه را مي‌توان ممنوع کرد، پس آیا فضای مجازی را هم باید ممنوع کرد؟ این استدلال نادرست است، زیرا داشتن چاقو را چرا ممنوع نمي‌کنیم؟ برای اینکه با منع داشتن چاقو، زندگي مختل ميشود. حتي اتفاقا بسیاری معتقدند که اسلحه را هم باید آزاد کرد، زیرا در جامعه‌اي که ممنوعیت اسلحه فقط شامل افراد و شهروندان عادي ميشود و افراد شرور و مجرم به هر نحوي که بتوانند اسلحه را تهیه مي‌کنند، مردم را در برابر مجرمين خلع سلاح کرده‌ایم. در این میان مجرمين سلاح دارند، ولي مردم عادي از داشتن

آن محروم شده‌اند. البته در يك جامعه‌اي كه پليس قدرتمند است، ماجرا فرق مي‌کند. بگذريم.

به نظر مي‌رسد كه در برابر پيشرفت‌هاي فناوري نبايد موضع انفعالي و دفاعي گرفت و خواهان محدوديت شد، چون منافع آن بسيار زياد و وجودش ضرورت پيشرفت است و هزينه‌هاي آن از جمله استفاده افراد شرور و مجرمين را بايد از طريق سازوكارهاي دروني آن و نيز آموزش و فرهنگسازي كنترل كرد. بدون ترديد اگر آن خانم مقتوله تماس اينترنتي نداشت به آن رابطه كشيده نمي‌شد، ولي به احتمال فراوان مثل نسل‌هاي پيش از خودش از طريق ديگر به ايجاد رابطه‌اي عاطفي اقدام مي‌كرد. مشكل اينجاست كه اگر دختر ۱۲ ساله را شوهر دهيد و زندگي زناشويي براي او از زماني آغاز شود كه بايد سرگرم آموزش و تفريح و بازي باشد، در اين صورت او را وارد سياهچاله‌اي خطرناك كرده‌ايد و همزمان به دست او نيز يك وسيله خطرناك مثل تلفن هوشمند داده‌ايد. در اينجا، مسوليت اصلي به عهده اينترنت نيست، اينترنت هم مثل خودرو فقط سرعت حمل و نقل را زياد مي‌كند و اگر كسي خواست فرار كند، از اين طريق عمل خواهد كرد، ولي از هر يك ميليون مسافر شايد يك نفر قصد فرار داشته باشد. بنا بر اين مشكل اصلي، رويكردي است كه نسبت به پديده‌ها و فناوري‌هاي نو وجود دارد. رويكرد شكست‌خورده‌اي كه از زمان ورود هر فناوري به ايران با مخالفت محافظه‌كاران مواجه مي‌شد، حتي آن را حرام مي‌دانستند، ولي تاكنون سابقه نداشت كه بتوان جلوي پيشرفت حتي يكي از فناوري‌ها را گرفت؟ چون پيشرفت آن متناسب با نياز بشر است. چيزي كه نياز بشر است نمي‌توان راهش را سد كرد. هر گونه مقاومت در برابر آن فقط روح و جسم را فرسوده مي‌كند، سپس در برابرش کوتاه مي‌آيند و منفعل مي‌شوند. بهترين راه، استقبال از فناوري است، طبعاً مي‌توان مردم را براي کاهش عوارض سوءاستفاده از آن همراه كرد و بدون كاربرد روش‌هاي گرفتن و بستن و جمع كردن و مجازات نمودن، استفاده صحيح از آن را ترويج كرد و جلوي تبعات منفي آن را گرفت يا كم كرد. به‌طور قطع بايد گفت كه دشمني با اينترنت و فضاي مجازي حتي از دشمني با روزنامه و راديو و تلويزيون هم بي‌ثمرتر است.

منبع: روزنامه اعتماد 25 بهمن 1400 خورشیدی